

پر تو وضوح افکنده بود در قلم اشرف لطلب عالم ربانی و موید بتائیدات آسمانی سالک طریق  
 انیق عرفان و بلد شوارع ایقان مولانا محمد حسن کاشانی نقاد یافت مولف قصص العلماء  
 آوردند که ملا خلیل قزوینی در دو مسئله بر خطا رفتگی که آنکه ترجیح بلا مرجح جائز است تا  
 رقیفی جالیع که بدون ترجیح یکی را بر سیدارد و مانند قرحی عطشان و مانند اینکه در مکانیکه  
 مسلح باشد و آبی بر آن ریزند باید آن آب هیچ سمت روان نشود و حال اینکه میشود  
 و تکمین این موارد نقض را متعرض شدند و جواب ووشال اول باین نحو است  
 که اراده در اشغال این مقامات مرجح است و اگر ترجیح بلا مرجح جائز باشد انسداد  
 و جواب اثبات صانع لازم آید چه ممکن مساوی الطرفين است یعنی وجود و عدمش  
 بالنسبه بذاتش مساوی است پس اگر ترجیح بلا مرجح جائز باشد لازم آید که بتواند وجود  
 ممکن بی صانع تحقق شود پس اثبات واجب الوجود نتوان نمود مسئله دوم ملا خلیل بر آن فته اینک  
 اول نتیجه نمیدهد زیرا که مستلزم دور است ازینکه نتیجه موقوف بر کبری است و کبری نیز موقوف  
 نتیجه و دور باطل است پس شکل اول باطل است پس استدلال بشکل اول در هر مقام  
 باطل است و این شبهه را شیخ ابوسعید البواخیر کرده و شیخ ابوعلی بن سینا فرستاده  
 نوشته که شما استدلالیان باید هر مطلبی را یکی از اشکال اربعه تمام کنید و گامیت ثلثه  
 موقوف بر تمامیت شکل اول است چه آن سه شکل باید بشکل اول تمام شوند و شکل اول  
 مستلزم دور است چه نتیجه موقوف است بر اندراج اصغر تحت اکبر بتقریر یک تقدم  
 و هر دو لیلے تا بشکل اول در نیاید تمام نخواهد بود چنانکه شمارا این گمان است و شکل  
 اول بدیهی الانتاج است چنانکه شما میگویید با اینکه این مستلزم دور و دور باطل است  
 چون این شبهه شیخ رئیس رسید در جواب نوشت که دور با جمال و تفصیل مندرج است  
 چه جهت دور مختلف است زیرا که کبریه موقوف بر نتیجه اجمالاً و نتیجه موقوف بر کبری  
 اجمالاً الحاصل چون ملا خلیل این دو مسئله را اختیار نمود اشتباه در معاری یافت

و چون بسبع علماء اصفهان رسیدند آقا حسین غزناری و امثال او نهایت در مقام تعلیم  
 و انکار بر آمدند و چون انکار و تشنیع ایشان بگوش ملا خلیل رسید روانه اصفهان شد که  
 با ایشان درین باب مجادله نماید پس وارد مدرسه شد که آقا حسین در آنجا تدریس میکرد  
 و آقا حسین اندرون خانه بود ملا میرزا محمد بن حسن شیروانی در مدرسه بود و در نزد  
 آقا حسین درس میخواند و اتفاق افتاد که ملا خلیل بحسب ملا میرزا وارد شد و سے از  
 کیفیت احوال او استفسار نمود و در جواب گفت که من ملا خلیل قزوینی میباشم و شنیدم  
 که آقا حسین درین دو سه ملا معروفه بر من تشنیع و انکار نموده آمدم تا با او مناظره کنم  
 ملا میرزا گفت که شما بگوید که چرا در شکل اول صغری و کبری مستلزم نتیجه نیستند ملا خلیل  
 گفت براس اینکه دور لازم می آید و دور باطلست پس شکل اول باطل خواهد بود ملا میرزا  
 گفت که همین دلیل شما شکل اولست و شکل است بر صغری و کبری و نتیجه و شما صغری و  
 کبری را مستلزم نتیجه نمیدانید پس دلیل شما بنا بر مذہب شما فاسد است پس ملا خلیل  
 صبر نکرد تا آقا حسین بیرون آید بلکه بلافاصله برخاست و بر درازگوش خود سوار  
 و بقزوین مراجعت کرد و آنتمه کلامه بالجملة بعض کلامها سے ملا خلیل موصوف چون از جا  
 قبول و اعتدال بیرون اند بجهت آن مورد ایراد و اعتراض گردیده چنانچه مولانا <sup>شیر الدین</sup>  
 محمد شیرازی که بحکله معاصرین او است و بعض رسائل خود میفرماید: قدم اسے مکہ زانو ما  
 التی شرفا و تعظیما المولے الفاضل ملا خلیل القزوی حاکم و زار نے فی بتی و ذکر لے اتنے  
 کتبت حاشیة علی عدہ الشیخ علیہ الرحمۃ و النعمان رسلها الیک لتطالع فیہا فلما کنت فی  
 جناح السفر لے احجاز صا نھا اللہ عن الاسوا ز طالعھا فی الطریق فوجدت فیہا اشیا  
 کثیرة نسبتھا الے اصحابنا الامامیة علیہم المغفرة والرضوان و ہم بربا بہنہا و صرخواں فیہا فی  
 تصانیفہم لموافقہا الاصول الا شعریة کتبیہ القبایح و المعاصی لے افتدع فلما قدم الے  
 احجاز و کتبت لے ما علمت لے من تصنیفہ من مخالفتہ کلامہ لکلام الاصحاب فاحاب بان اھل

<p>لقد جاني خبر ساءني مصائب ابيخ عالم عامل فما ذاق قلبي طعم السرد فصار بغيضاً لذي الحبيب رماه ردي هدر كره الهدى فاه واه من فقد من لقد كان عوني على مطلبه وذاك هداية اهل الضلال فابن فصاحة ذاك اللسان اناخر الحمام فناحر الحمام وسبكي فدير تع تلك الربوع</p>	<p>واحرق قلبي بنار الحزن فتي فاضل كافلني لسن ولا ذاق جفني طعم الوهن وصار قبيحاً لذي الحسن واوهن مني لمنا والمنا فقدنا فمن ذاق قدنا ومن ومن عين بالامر ضلعي الى سنن هو خير السنان بشرع الفروض شرح السنن بيدي فنون الاسي في فان ويد من تدنا كان ذلك اللحن</p>
---	---

الشيخ حسين بن علي بن محمد بن الحسن بن زين الدين الشهيد الثاني الجليلي  
الجبلي فرزند ارجمند شيخ علي مصنف كتاب در فقه است و در اهل آمل آورده که شيخ حسين  
مذکور فاضل و صاحب و محقق بود وزارت علوم پیش والد خود نموده و فائز در صفهان  
واقع شد و در شهر مقدس دفن شده و والد ماجد او شيخ علي در کتاب در فقه احوال صحبت  
شيخ حسين مزبور ذکر کرده و گفته که صاحب علم و تقوی و در دست بود و در سن اربعت و دو سالگی  
تاریخ اربعت و یکم شهر ذی حجه سنه ایزار و هفتاد و هشت هجری در گذشت و لاوت او  
آخر روز سه شنبه سحر هم ذی حجه سنه است و حسين بعد الاغت بود فخر الدين حميد بن  
محمود اسپيني اللنگرهي از تلامذه ملا محمد امين استرآبادي است و سنه اصدی و ثانی  
بعد الاغت کتاب فوائد و نیرایش و غیره کنانی الشیخ نور الاسلام زين العابدين  
بن الاکبر نور الدين مروين علی اسپيني از تلامذه ملا محمد امين استرآبادي

صاحب فوائد مدینه است مولانا شیخ عبدالرزاق مازندرانی پیش امیر موصوف تحصیل علوم فرموده و از امیر مذکور اجازه یافته کذا فی الشذوذ شیخ عبدالعلی بن ناصر بن حمزه الحویزی جامع کمالات و صاحب تصنیفات عالیه است و در امل آمل مسطور است که عبدالعلی مذکور فاضل عارف بعربی و علم عروض و غیرها بود و شاعر ادیب و فنی بلوغ صاحب دیوان شعاری جمیده است جماعتی از اکابر عصر خود را مع فرموده و بسیاری را بجمعه نموده از تصانیف اوست کتاب فطر التمام فی شرح کلام الملوک ملک الکلام در فن ادب و حاشیه بر تفسیر مشکوٰۃ و شرح شواهد مطول موسوم به معول و کتاب در نحو و کتاب در حکمت و کتاب در عروض و حاله در رمل و کتاب در موسیقی و در ایران شعر فارسی و دیوان شعر عربی موسوم به محلی الافاضل و دیوان ششترکی که تحصیل علوم نجیدت شیخ بهاء الدین عالمی علیه الرحمه و شیخ عبداللطیف بن علی بن ابی جامع عالمی نموده و سپید علیجان و در سلاطه العصور و ثنای بسیار اورا ستوده و قدری از اشعار آبدار او نقل فرموده من شار فلیرجح الیه الشیخ عبدالعلی بن جمعه العروسی الحویزی ساکن شیراز از اکابر علمای عالمین و اعظم فقها و فقهائین و افاضم ثقات و محدثین و از معاصرین شیخ حر عالمی علیه الرحمه بود چنانچه در امل آمل ذکر شرفیش بدین منط مسطور است شیخ جلیل عبدالعلی بن جمعه العروسی الحویزی ساکن شیراز عالم فاضل و فقیه و محدث ثقه و پرهیزکار و شاعر و ادیب است و جامع علوم و فنون از جمله معاصرین است از تصانیف شریفه او است کتاب نورا الثقلین و تفسیر قرآن مجید در چهار مجلد و ایضاً شیخ حر عالمی ره در وصف تفسیر مذکور میفرماید و قد حسن فیه و اجاب و حیث نقل فیه احادیث النبی و الائمة علیهم السلام فی تفسیر الآیات من اکثر اهل الحدیث و لم ینقل عن غیرهم و قد رأیت بخطه و استکتابته منه و له شرح لامیه العجم و غیر ذلک من التصانیف ابوالمحسن امیر فضل الدین محب القدر دست غیب از علامه میرزا محمد استرآبادی صاحب الرجال و علامه سید ماجد بن باشم بحرانی است مؤلف شذوذ العقباء

آورده سید اجل امیر فضل اللہ ابو الحسن بن محب اللہ دست غیب فاضل و عالم و عابد  
 از پرورش و صلاح جلیل القدر عظیم الشان بود شاگرد میرزا محمد اشتر آبادی و سید ماجد نجف  
 و سید ماجد مذکور را و آخر شوال یا در اوائل ماه ذی قعدہ سنہ ثلث و عشرين بعد الالف  
 برای او بزرگتر نسخہ تہذیب الاحکام اجازہ روایت نوشته و در اجازہ مذکورہ مسطور است  
 و لما تشرفت ببقاہ السید اسد الفاضل الامجد الجامع بین حسب الفضل و کرم المحمدا لوالہ  
 نفسہ علی الاما، اطلاق الکمال و القاصر ہتہ علی الکتاب العلوم و الاعمال عز الشریعہ و الہدایا  
 ابی المحاسن فضل اللہ بن سید محیب النسیب الاخذ من کرم الاصول و الفروع باؤف  
 لفضیل سید محب اللہ دست غیب استجانی فاجبتہ الی ذلک و ان لم اکن ابلا سلوک  
 ہذا المسالک فاقول انی قد اجزتہ رفیع اللہ علوۃ و ضاعفت سموۃ الی اخر الاجازہ  
 السید قاسم بن محمد الطباطبائی کحسینی الزواری القباہی مولداً  
 مؤلف جامع الروات اور ابان الفاظ ستودہ جلیل القدر عظیم الشان رفیع المنزلہ  
 فاضل کامل بارع فی العلوم العقلیہ و التقلیہ و له خصائل حسنہ و آورده کہ او از وطن خود  
 بسوی اصفہان سفر کرد و در آنجا از شیخ بہاء الدین عاملی علیہ الرحمہ سماعتہ حاصل نمود  
 از تصانیف شریفہ اوست لتلیقات بر کتب اربعہ مشہورہ و جملة کتب فقہیہ و کلامیہ و ہدیہ  
 دیگر از تصانیف او رسائل کثیرہ اند از ہجده رسالہ و سببش پد اور رسالہ در عقائد است از اقاہ غیبی  
 الطباطبائی فی حواشی علی امل الامل و مؤلف شدہ بعقاید آورده کہ سید قاسم  
 از اخوند ملا محمد تقی مجلسی روایت دارد و مولانا ابوالقاسم جعفر فادقانی از سید تاج محمد  
 روایت داشته است شیخ حسین بن الحسن العالی المشغری از تلامذہ شیخ بہاء الدین  
 عالیست شیخ حر عاملی در امل آمل آورده کہ شیخ حسین مزبور فاضل و صلاح جلیل القدر  
 و شاعر و ادیب بود قرأت علوم و استفادہ فنون از حضرت شیخ بہاء الدین عاملی فرمودہ  
 و ایضاً پیش شیخ محمد بن الحسن بن شہید الثانی استفادہ فرمودہ او کلا بجانب ہند سفر کرد

بعده از آن بسوی اصفهان آمد و از آنجا بسوی خراسان هم در آنجا رحل اقامت انداخت  
تا اینکه انتقال نمود و شیخ حرعالمی آورده که عموی من شیخ محمد بن علی بن محمد الحرعالمی الشافعی  
سالفه بسیار در صحت فضل و علم و فصاحت و بزرگیش می فرموده و از جمله کتب او آنچه دیده ام  
کتاب النکاح از تذکره الفقهاء است و بر آن نسخه بخط شیخ بهای علیه الرحمه اجازه برای شیخ حسین  
مربور نوشته دیده ام و شیخ حرعالمی آورده که من بواسطه عدم خود شیخ محمد مذکور از شیخ حسین  
عالمی مشغری روایت دارم انتهى بحقیقه کلامه السید حسین بن حسین بن یونس بن محمد  
بن ظهیر الدین علی بن زین الدین بن الحسام الظهیری العالمی العینانی  
استاد شیخ حرعالمی بود چنانچه در امل آورده که سید حسین مذکور فاضل و عالم و ثقة و صاحب  
وزاهد و عابد و ورع و فقیه ماهر و شاعر بود اکثر فضلا معاصرین بخدمتش استفیذ شدند بلکه جماعت  
از مشایخ سابقین از افادتش بهره مند شده اند و اکثر تلامذہ اش ببرکت انھاس اوجسوس  
در زمره علماء و فضلا گردیده شیخ حرعالمی آورده که اکثر کتب عربیه و فقیهیه و دیگر فنون را پیش  
استاد خود سید حسین موصوف خوانده ام و از جمله آنچه که خوانده ام کتاب مختلف علامه علی  
از تالیفات او کتب و رسائل متعدده اند از آن جمله کتابی در حدیث و کتابی در عبادات و دعوات  
و او اول کسی است که اجازه بین داد و در فریب جمع سکونت داشت و هم در آنجا وفات  
یافت ملا حسن علی بن ملا عبید اللہ شوشتری فرزند ارجمند ملا عبید اللہ شوشتری و از مشایخ  
افوند ملا محمد باقر مجلسی علیه الرحمه بود روایت حدیث از والد ماجد خود و از شیخ بهار الدین  
عالمی داشته چنانچه صاحب امل بعد وصفت و مرج نقل فرموده و مرزا محمد طاهر  
نصر آبادی در تذکره الشعرا آورده که ملا حسن علی یگانه گوهر بحرین علوم عقلی و نقلی ملا عبید  
شوشتری که مثل خورشید محتاج بتوصیف و تعریف نیست نیز سپهر فضیلت و بدر فلک  
فطانت و جامع علوم و حاوی فروع و اصول بود بحدت طبع و حدت ذہن استیاز تمام از  
اقران و امثال خود داشت و نیز در آن تذکره این مصراع مشتمل بر تاریخ وفات ملا حسن مذکور

ملا حسن علی شوشتری

علی مذکور

نقل کرد و مع افسوس از مقتدا ای اہل ایران برین تقدیر و فاش و رشتہ بگزارشیت نوشت  
 ہجری بودہ باشد و صاحب سلاطۃ العصر سال و فاش را در سنہ تسع و ستین و الف گفتہ  
 مؤلف شد و رعقیان آوردہ کہ بلا عبدالستہ تستری در سنہ عشرين بعد الالف برای  
 فرزند ارجمند خود ملاحسن علی تستری اجازہ نوشتہ و در آن میفرماید بعد الحمد و الصلوٰۃ  
 فقد اجزت لولدی و فلذۃ کبدی المترقی من حنیض التقای لے اوج البقین السالک  
 سالک التقی الصاعد معصدا لاجتہاد و الناسک مناسک السدا و ابو الحسن الشہیر  
 بحسن علی حسن اللہ الیہ فی الدارین و اعلی مقامہ فی الفئآتین بعد ان قرء علی فی  
 فنون العلم کتبا کثیرا و صحفا غزیرا سیمما فنون علوم الدین من الاصول و المقروع و  
 الحدیث و بلغ مع صغر سنہ اعلی المراتب و فاز فی اوائل عمرہ یاسنی المطالب مداندہ کما  
 فی عمرہ و وقاہ جمیع الشرور و جعلنی فداء من کل محذور ان برودی غنی ما صح لے روایتہ  
 من فنون العمل سیم العلوم الدینیہ و ما یتعلق بہا من اصول و فروع و معقول و مشروع  
 الی آخر الاجازۃ و از سلطان الحکما و برہان العلماء معزالدولہ قاضی معزالدین محمد صاحب  
 علامہ مجلسی علیہ الرحمہ اجازہ روایت یافتہ تاریخ کتابش در ماہ ذی الحجہ سنہ ثمانین  
 بعد الالف بود و در سنہ ثلاثین بعد الالف از شیخ بہار الدین عالمی علیہ الرحمہ اجازہ یافتہ  
 و نقل بعض عبارات انہا در تذکرہ مسطور است الفاضل ابیل ملاحیل بن غازی  
 القزوینی از شارحین کتاب کافی کلینی و مشاہیر فضلا و شاگرد شیخ بہار الدین علیہ السلام  
 بود شیخ حر عالمی اورا بہ فاضل و عالم و علامہ و حکیم و متکلم و محقق و مدقق و محدث و فقیہ مشہور  
 از جملہ تصانیف اوست شرح کافی کلینی در فارسی و شرح دیگر عربی و شرح عدۃ الاصول و  
 رسالہ در جمعہ و حاشیہ بر تفسیر مجمع البیان و رسالہ نجفیہ و رسالہ قمیہ و غیر ذلک نیز آوردہ  
 کہ من اورا در حجہ اولے در مکہ معظمہ دیدہ ام مجاورت آن بقعہ شریفہ اختیار نمودہ بود  
 دی در آن ایام بتالیف حاشیہ تفسیر مجمع البیان مشغول بود و سید علیخان مدنی در

توضیح فروری

سلافة العصر که ابتدا سے تالیفش سنہ یکہزار ہشتاد و یک ہجرت آورده کہ ملا خلیل مذکور  
 از فضیلتی اہل این عصر و علماء سے موجودین این زمان است از تصانیف او و شرح  
 بر کتاب کافی کلینی است یکی فارسی و دیگر عربی و شرح عدہ الاصول در اصول فقہ و  
 کتابہای دیگر است و ہر دو شرح عربی و فارسی بنظر مؤلف رسیده و شرح عربی کہ سوم  
 ہشانی است در سال یکہزار و شصت و چہار ہجری بشغل آن پرداختہ و چون در سال مذکور  
 شاہ عباس ثانی صفوی وارد قزوین شدہ فرمایش شرح دیگر بزبان فارسی با و نمود  
 پس اشرح فارسی ہم سے لبصافی در ہمان سال شروع فرمودہ و آنرا در عرض مدت  
 بست سال در مجلدات سی و چہارگانہ با تمام رسانید و تاریخ اتمام مجلد اول از شرح  
 کافی ماہ محرم سنہ یکہزار و شصت و شش ہجرت و تاریخ تمام جلد آخر از شرح کتاب  
 مذکور کہ شرح کتاب الروضہ از کافی بہت سنہ یکہزار ہشتاد و چہار ہجری است  
 میرزا طاہر وحید در روز ناچہ خود بتقریب ورود شاہ عباس ثانی صفوی در قزوین نوشتہ  
 چون خاطر ہمایون و خیمیر نہر خیریت مقرون پیوستہ متوجہ بروج و رونق دین بسین ملت  
 ستین میباشند و فضلا سے عظام را کہ وارثان علوم انبیاء و حامیان ملت بیضا اند ہوارہ  
 تیش و قہظیم و اکرام میفرمایند بعد از ورود و اسلطنہ قزوین جامع علوم معقول منقول  
 و غیرہ است شرحہ اصول مولانا خلیل قزوینی را کہ از اجلہ علماء سے عصر و فحول قشمر  
 ہر ہفتاد و ہشتاد و چہار ہجرت و علیہ مجلس اقدس بزم مقدس طلب داشتہ آن کردہ نزہت  
 چہار و ہفتاد و ہشتاد و چہار ہجرت و در ہمان مجلس مولانا خلیل ائمہ را بخطاب مستطاب سرفراز ساختہ  
 فرمودند کہ کتاب کلینی را کہ دین قوم را اساس و بنیان و بیت العمودین مصطفوی بدان  
 زبان لہجہ سی شرح نمایند کہ عموم سکان این دیار را کہ اغلب گفتگوای ایشان لغت فارسی  
 است انتفاع حاصل باشد و نیز رقم اثرت باسم مولانا محمد تقی مجاہد شرفصدور یافت  
 کہ کتاب سنہ الحقیقہ را بہستور شرح نماید و چون فضیلت نماز جماعت بر شگاہ ضمیر شہید



مخالفت لا اصول ابن بابویه و جمیع اصحابکم الا الرواۃ و زعم ان علمائنا حتی شیخ المفید  
 و اسید المرثی و شیخ الطوسی و سلطان المحققین نصیر المللہ و الدین قدس اصدار ہم  
 اخذوا اصول و نہم من المعتزلة و سلکوا شریکہم و لیس لهم دلیل من الکتاب  
 السنۃ و سنی المعتزلة و اصحابنا القاریۃ و سنی الاشاعرة الجبریۃ و سنی الرواۃ الذین  
 معانی الیہا الی التدرع و نفسہ الشریفۃ الی الامرین الاسریۃ و انشراح الیہ  
 فی کل سئلۃ من المشیۃ و الارادۃ و القدر و غیرہ ما فی غیر ما قالہ معتزلہ  
 الامامینہ الذین اخذوا معالمہم و نہم عن الامۃ المسلمین روایۃ زانیۃ و التماسیۃ  
 الکلامیۃ و نسب ما خطر ببالہ من تیر و بیل الی الامامینہ علیہم السلام کما  
 الذان لشیخی من کلام اصحابنا ما نسب الیہم ففی اسے کتابہ المکررہ و انیت الیہم  
 المراد بان اصحابنا رواۃ الاحادیث ثم قال فی وقت ذکرنا فقصہ فی حاشیۃ  
 و استدلالنا بالاحادیث الواردة عن الامۃ ثم سلما الیک فقال فیما بعد من الالفاظ  
 ظالمت فیہا کما ذکرہ من غیر انیکون قصدی تزئیت کلامہ لکن الحق المبحر و الیہ  
 بطلج فوجدت فیہا اشیا و لیس لہا طائل تہا و وجدت قائلہا کالرا تم علی المساء  
 فاستدل علی صحتها بدلائل اوہن عن بیت العکوت و حاصل کلامہ تخطیۃ علمائنا  
 تعبیر ہم و توہم بتالیف المعتزلۃ فی اصول الدین انتہ کلامہ و نیز حسب قصص العلماء  
 آورده کہ ملا خلیل قزوینی مقبرہ اشش بالفعل در قزوین و مدرسہ ہم و جنب مقبرہ اشش  
 می باشد کہ منسوب باوست و آن مدرسہ بالفعل خرابست و معلوم نشد کہ او از کہ اجازہ  
 دار و لکن اخبار سے مسلک و صاحب فضل است و از جملہ تلامذہ آقا قاضی قزوینی است  
 کہ بسیار فاضل بود و جامع و صاحب تالیفات بود و نیز در قصص مسطور است کہ ملا خلیل  
 پسرے بود فاضل معروف بملا سلیمان بن ملا خلیل و صاحب تالیفات است و قات  
 ملا خلیل علی ما نقلہ صاحب تذور العقیان و رستہ تسع و تمانین و الف اتفاق افتاد

مولانا محمد باقر بن غازی القزوينی فاضل طویل و برادر ملا خلیل سابق الذکر  
 است چنانچه در امل آمل سطور است که ملا باقر برادر ملا خلیل فاضل عالم و تکلم جلیل القدر  
 است از و است حاشیه بر حاشیه عدة الاصول بر اورش ملا خلیل مولانا  
 شمس الدین محمد الشیرازی در کتاب شذویر العقیان فی ترجم الاعیان  
 مستطیر است که شمس الدین موصوف عالم و فاضل و بصیر با حکام و عارف تفسیر قرآن  
 و ارباب بود و از معاصرین ملا خلیل قزوینی است شمس الدین مذکور در بعض رسائل  
 خود میفرماید زرقانی القدر تلمیذی بفضله بکره مجاوره بیتی الحرام و در فتنی لمقابله احادیث  
 ائمة الهدی صلوات الله وسلامه علیهم علی الروام ثم سالت عند قبر رسولہ علیہ السلام  
 ان زرقانی علما فقهیة کثیرة من امر النفس الامارة بالسوء و جبال الشیطان و بدانی بمنه  
 الی مطالعة تفاسیر القرآن و فتنه مذہب اصحابنا الذین اخذوا معالم و نہم من حصول  
 ال ایست غیثم اسلام فی الیہ تالقی اختلف فیہا فی علم الکلام مؤلف را بر احوال او  
 اطلاعی دست نه او در الا حسام الدین محمد صالح بن احمد المازندرانی از شاہیر  
 فخر و صنادید علماء و شایخ کافی کلینی و داماد اخوند ملا محمد تقی مجلسی بود گویند و وجه  
 آئمه و ختر ملا صالح فاضل و عالم محقق و صاحب تصانیف لائقه است روایت  
 حدیث از اخوند موصوف و ارد از تصانیف شریفه او چندین مجلد شرح اصول کافی  
 بزبان عربی که بسیارستین و مبسوط مشهور است و شرح زبدة الاصول و شرح معالم الاصول  
 و شرح کتاب من لا یحضرہ الفقیہ و حاشیه بر شرح لمعه و غیر آنها ملا حیدر علی مجلسی علیہ  
 الرحمہ در رساله نسب خود آورده که ملا محمد صالح مازندرانی را از صبیہ ملا محمد تقی مجلسی  
 چند پسر بودند اول فاضل علامه آقا محمد باوی دوم ملا نور الدین محمد سوم ملا محمد  
 شتاعص با شرف چهارم فاضل عالم ملا حسن علی پنجم ملا عبد الباقی ششم ملا محمد  
 و ہر یک از ایشان را اولاد نامہ اربعم رسیدن فخر الدین بن محمد علی بن طریح النجفی

باب اول در ملا خلیل  
 شمس الدین

ملا صالح مازندرانی

شیخ فخر الدین خا  
 مجمع البحرین

از شاهسیر علمای محدثین و لغویین و فضلاء ببحرین بود کتاب مجمع البحرین که ششمین مرتبه  
 از لغات قرآن و حدیث امامیه آنرا عشریه است بی نظیر و بی عدیل در نیاب است شیخ  
 یوسف بحرانی گفته که شیخ فخرالدین بن طریح نجفی فاضل محدث و لغوی و عابد و زاہد و روح  
 بود و از جمله تصانیف او کتاب مجمع البحرین و مطلع النیرین و تفسیر لغات قرآن مجید  
 احادیث امامیه است لکن احاطه تمام بذکر جمیع لغات احادیث در آن نکرده است و دیگر  
 کتاب منتخب در جمع مرانی و خطب و کتاب شرح مختصر نافع کتاب تمیز المتشابه من أسماء  
 الرجال لکن خالی از اجمال نیست و کتاب الاربعین باجملة شیخ مذکور از فاضل عالم شیخ محمد  
 بن جابر نجفی روایت دارد و ابو اسطه شیخ محمود بن حسام الدین جزائری از شیخ بهار الدین  
 عالمی علیه الرحمه روایت داشت و علامه سید باشم بحرانی مؤلف غایب المرام از شیخ فخرالدین مذکور  
 روایت دارد و ایضاً در رساله مزبوره آورده که شیخ فخرالدین کوراز سید حلیل القدر مشرف الدین که شایسته  
 میرزا محمد آسترآبادی بود روایت دارد شیخ فخرالدین را پسر بود صفی الدین که قابل عالم و صاحب  
 تالیفات تصانیف و از مشایخ اجازه است و بی زبرد خود شیخ فخرالدین روایت دارد  
 مؤلف گوید که کتاب المرانی و الخطب که در ذیل تصانیف شیخ مزبور مذکور شد لغات  
 اشتهار دارد و کتاب مذکور شامل بر مجالس تذکرة مصائب حضرات اهل البیت  
 علیهم الصلوة والسلام و قصائد در مرانی حضرت امام حسین علیه السلام از منظومات  
 شعرا عرب است و معروف و مشهور به بیاض فخری است لکن نهنجاس آن در قریب  
 و زیادت و نقصان و امثال آن با یکدیگر مطابقت ندارد صاحب تذکرة العلماء آورده  
 که بر پشت بعضی نسخ مجمع البحرین مکتوب یافته شد که وفاتش در سنه یک هزار و شصت و  
 هفت هجری واقع شد و تاریخ آن درین آیه کریمه یافته اند و بطین علیهم و اللان صلا  
 و تاریخ دیگر بخلف بعد صفی الدین است و ایضاً آورده که تاریخ تعیین کتاب  
 مجمع البحرین که در آخرش مکتوب است سنه یک هزار و هفتاد و شصت هجری است

الشيخ محمد بن سليمان المقابلي البحراني منسوب است بسوی مقابا که قریه از بحرین  
 است وی از تلامذه شیخ علی بن سلیمان قدسی بحرانی بود که ذکر او گذشت و از روایت دارد  
 و بعد از شیخ علی مذکور در علوم بدرجه عالی رسید تا آنکه مرجع بلاد و عباد گردید و بعد از وفات  
 شیخ صلاح الدین بن شیخ علی بن سلیمان منصب ریاست و قضا بتایید سلطان و  
 اکابر بلاد شیخ محمد بن سلیمان مذکور مفوض گشت و شیخ را از اولاد مذکور سه سیر قاضی  
 و مجتهد بودند که کما یظهر سن لولوة البحرین الشيخ عمید النبوی بن محمد بن سلیمان المقابلی  
 البحرانی پسر بزرگ شیخ محمد سابق الذکر است و از دیگر فرزندانش افضل و اعلم و فقیه و مجتهد  
 و شیخ و صالح بود اماست جمعه و جماعت در قریه مقابا بعد از شیخ احمد بن شیخ محمد بن  
 یوسف بحرانی داشت و در اطلاع بر فروع فقه و احاطه بان احدی ثانی او نبود شیخ یوسف  
 گوید من در سفر من خود او را دیده ام و قتیکه بلاقات جدو پذیرن در بعض اعیان آمد  
 بود شیخ سلیمان بن محمد بن سلیمان المقابلی البحرانی برادر شیخ عمید النبوی سابق الذکر  
 و خلفت اوسط شیخ محمد بن سلیمان است شیخ یوسف بحرانی در ذیل احوال شیخ محمد آورده  
 که پسر دوم او شیخ سلیمان نام داشت و او هم فاضل بود و در بحرین در طریق مکه وفات  
 یافت شیخ زین الدین بن محمد سلیمان المقابلی البحرانی در لولوة البحرین مسطور است  
 که وی پسر سوم شیخ محمد بن سلیمان مقابلی بحرانیست ظاهراً که کوچک ترین پسران  
 او بوده سالها در حیات بود تا آنکه فرقه خوارج بر بلاد بحرین تسلط یافتند قبر او با قبر پدر  
 و برادر او در قبه ایست که در قریه مقابا واقعست شیخ سلیمان بن صالح بن احمد  
 بن عصفور بن احمد بن عمید الحسین الدرازی البحرانی منسوب است بسوی قریه  
 در آنکه از قرای بحرین است و در از بفتح دال و راه هملتین و زاء معجمه در آخر شیخ یوسف  
 بحرانی آورده که شیخ سلیمان بن صالح مذکور عم جد من شیخ ابراهیم بن احمد بود و فاضل  
 و محدث بود و شاگرد شیخ علی بن سلیمان بحرانی است و در کنار برادر خود شیخ احمد که پدر جد من بود

پرورش یافت وی در اول شباب خود از برای پدر جدم که کشتیها بجهت خود داشت خود را در شت مخصوصی که او پس با سبب  
 مرضی باور سیده برادرش شیخ احمد از راه شفقتی که بحال او داشت او را از خواصی منع کرد و امر بکار بست  
 درین نمود و شیخ محمد بن سلیمان معالی را از برای تعلیم او مقرر فرمود و شیخ محمد بن سلیمان مذکور اولاً  
 پریشان حال بود بگیا حال هر دو ایشان چنین بود تا آنکه حق تعالی ایشان را بدرجات عالیه و مرتب  
 فالقه موفق ساخته بسعادت دنیا و آخرت رسانید و هر دو ایشان بخدمت شیخ علی بن سلیمان مشی  
 بحرانی تحصیل علوم نمودند و شیخ سلیمان مذکور با وجود اشتغال بتدریس و ملازمت علم مشغول  
 بامر تجارت بود و صاحب سخا و بخشش بود و در قریه خود در سجده که معروف است به مسجد القدم است  
 امامت جمعه و جماعت داشت حکایت کرده اند که هر گاه وقت غوص میرسد و کشتیها سے  
 اهل قریه از غوص بیست آمد شیخ سلیمان بن صالح مذکور میرفت و جمیع آنچه ایشان از قسم  
 لوله و آتش می آوردند می خرید و تا جبران بلا و بحرین همه از برای خریدن لوله و بجان شیخ مذکور  
 می آمدند زیرا که اهل قریه سوای شیخ مذکور بست دیگری نمی فروختند و او بدست تجارت بفرمود  
 و میان ایشان تقسیم آن میفرمود و در بعضی از اهل قریه لوله بزرگ قیمتی اندک بست او فروخت  
 ناگاه چون صلاح آن امر نمود بسیار خوب آمد و قیمت بیشتر فروخته شد پس هر گاه تقصیر آن شیخ کیفیت حال او  
 بیان فرمود و گفت من ازین قیمت رس مال خود را بگیرم و باقی از دست آن شخص قبول  
 نکرد و گفت اکنون آن همه مال تست زیرا که من هر گاه آنرا بتو فروختم اگر فاسد ظاهر شد نقصان  
 بر تو بود پس زیادت هم از برای تست شیخ راضی نشد تا آنکه دیگران چنین قرار دادند که بعضی  
 از ان زیادت را شیخ بگیرد و بعضی را آن شخص بدد و قات شیخ مذکور در سال یک هزار و پستاد  
 پنج هجری در کربلا سے علی واقعه را و او از شیخ علی بن سلیمان بحرانی روایت احادیث در  
 و شیخ محمود بحرانی از روایت دار و شیخ حر عاملی علیه الرحمه در امل اهل ذکرش چنین آورده که  
 شیخ سلیمان بن عصفور رازی بحرانی فاضل فقیه و محدث و روح و عابد از جمله معاصر فقیه  
 علامه آقا حسین بن جمال الدین محمد الخونساری از مشایخ علمای امامیه و کنز

تدریس  
 در کربلا

محققین فرقه حقه ناجیه آنجا عشریه کثیر هم التذنی الیه سر آمد جهانبند اعلام و مرجع فحول کرام و  
 علمای فحام دستند هر خاص و عام صاحب تصانیف دقیقه لائقه و تالیفات عالیله فالق است  
 از تصنیفات شریفه او کتاب مستطاب مشارق الشموس فی شرح الدروس اگر چه نامکام مانده  
 اما بر کمال تجرد و مذاقت او در فن فقه دلالت تام دارد صاحب اهل اهل در و صفش آورده  
 قاضی عالم حکیم متکلم محقق مدقق ثقة جلیل القدر عظیم الشان علامه العلماء فرید العصر له یلقا  
 منها شرح الدروس حسن لم یتیم و عدة کتب فی الکلام و الحکمة و ترجمه القرآن الکریم و ترجمه  
 الصحیفة الکامله و غیر ذلک من المعاصرت اطال الله البقاء زوی منه اجازة و سید علیخان  
 مدق در سلافة العصر علامه موصوف را بجامح بالغة ستوده و صاحب قصص العلماء بعد و صف علماء  
 موصوف آورده که آنجناب چون در معقول و منقول تدریس میکرد لهذا او را استاد الكل فی کل  
 نامیدند و نیز آورده که علامه موصوف در علم منقول خدمت محقق سبزواری اقا محمد باقر صاحب فخر  
 تلمذ داشته و تمامت دیوانه سال خدمت او مانده و اجازة از وی یافته و دختر محقق سبزواری  
 نیز بجمال خود در آورده و سپرش آقا جمال از دختر موصوف تولد یافت و میرزا محمد طاهر نصر آباد  
 اصفهانی در تذکرة الشعرا که مال تصنیف آن سنه که هزار و هشتاد و سه هجری است بتقریب  
 ذکر علماء و فضلاء گفته که آقا حسین خلت امجد فضیلت و غفران پناه مولانا جمال الدین بنحو  
 ذات منبع البرکاتش کوی است از افاق آگاهی لاسع وجود شرفش اختر لیست از فلک  
 هوشمندی ساطع چرب نرمی کلامش مرهم خستگان جفاور شمه خامه گوهر بارش بیابان  
 تحصیل را شربت شفا بام کمالش را بر بان سلم نردبان و ارشاد و روس حقائق باطنش  
 مستغنی از شرح و بیان و در بساط لازم انبساطش جلال حاشیه و در جنب متن کلامش  
 قدیم تقویم پابین جناب ایشان در غنفلان شباب جهت تحصیل علم باصفهان که صد  
 گوهر فضلاء است تشریف آورده و در اندک زمانی بموجب فطرت عالی سبقت از اقران بل  
 از فحول علمای سلف رپوده و ایضا گفته که الحال یعنی در سنه مزبور در اصفهان تشریف

تدریس و تالیف در سه جلد صاحبقرانی شاه عباس ثانی با ایمان است و عمده مفسرین و  
 مفسرین در آن قبله عرفان حاضر شده است فایده بسیار است و در سنن با فایده است  
 و در مجدش آقا جمال که الولد شریک در باره ایشان صواب است بدرسه مذکور هر روز  
 می آید و طالبان علم و ساکنان آن مدرسه و سایر ارباب مستفید میشوند و علی قلیخان  
 مذکور خود بعد وصفت جناب موصوف گفته که آقا سیّد زین العابدین است یعنی قائل  
 نخریر آقا جمال خونساری بر در راه پسر و غلامه زمان آقا جمال ثانی را پدر بوده یکی اولاد عالی  
 تبارش منبع فضل و کمال و عین رحمت و جمال اند و آن مغفور تلمیذ خلیفه سلفان و فضلا  
 آن زمان بود و اکثر علمای ایران تلمیذ ایشان و اولاد ایشان اند چون سلاطین صفویه  
 انار الله بر اینهم الجلیه در رعایت شرع نور مبالغه تمام و شسته اند و در طریقه حقه امامیه  
 نیست که صاحب ملک امام زمان را میدانند و کسی را نمیرسد که در ملک امام نبی اذن و یا از  
 نائب او دخل و تصرف نماید پس درین وقت که امام زمان یعنی حضرت قائم آل محمد  
 صلوات الله علیه و علیهم غائب است مجتهد جامع الشرائط عادل هر که باشد نائب  
 آنحضرت است تا در میان مسلمین حافظ حدود الهی باشد چون ملک واری و سپه آری از فضلا  
 و مجتهدان این زمان صورت نیکی و کمند است و از شاهزادگان را مجتهد معظم آن زمان نائب خود  
 کرده که او را بته تاج بر سرش گذاشته بر سر سلطنت می نشاندند و آن پادشاه خود را  
 نائب او تصور میکرد و تا تصرف او در ملک و حکومتش بر خلق بنیابت نائب امام بوده صورت  
 شرعی داشته باشد لهذا شاه سلیمان صفوی مغفور را آقا حسین خونساری مبرور بنیابت  
 خود بر سر سلطنت اجلاس فرمود و بعد از و خاقان مالک رقاب یعنی سلطان حسین صفوی  
 مولانا محمد باقر مجلسی و همچنین سلاطین سلف را مجتهدان سلف در تذکره نتایج الافکار  
 مسطور است مولانا آقا حسین خونساری که در عهد سلطنت شاه سلیمان صفوی که آمد  
 فضیلتی روزگار بوده فضائل و کمالات وی از منقاش که جمله آن تعلیقات بر حاشیه

قدیم عمارت وزانی است خابرو استعدادش در فنون نظم و شعر از تالیفاتش با هر کلاسش ملوک  
از جلاست است و شمارش مشحون فصاحت اثر کار و دست او سطر مائت حاوی عشر راه

تخرت پیش گرفت این رباعی از طبع سوزش سرزده

است با و میا طرب فرست آئی از طوت که امی کف پست آئی

نیکو سکه که بر خاتم است بگو که گویشیم شناسم آئی

و علامت های فسونی که از شمار شعر و تلامذہ آقا قی موصوف بود قطعه و روفاات انعامی گفته

این چند بیت از انجا است قطعه

صبح از نالت لعلی و القاب	و شیون لطیفه من تسکاب
کیف لادان هو رکبت علینا	بالمصیبات غیب هذا التصا
تجبا المنون کیف یوارکے	شاعر العلم فی نغواله ضاب
کان کائنات من ان کبنا ضیاها	و توارت بعدا لفظا بالجاب
فسقمی تریة اذ سقانا	من علوه الهدی بعد بعبنا
علم العلم غاب عنا فقلنا	دفن العلم کالهدی فی التراب

و محمد امین شاعر این قطعه و روفاات آن جناب نظم کرده

هادی المسترشدين اقلحين	الذی قد کاصحی السنۃ
قد طوی ايام اوراق الحیاة	صار فی جنات عدن الرحمة
حار فی تاریخ کل الانام	قالین لیس هذا فعلتی
و هم اذ هم فی استخراجه	قال رضوان لہ اذ دخل جنتہ

پس برین تقدیر که ماوه تاریخ و رکود اصل خبثی است و فوات آن جناب در سنه یک هزار و نود و شصت  
بمهری بوده باشد و امید غنی مجلسی آورده از تصانیف است حواشی بر شرح کتاب اشعار  
و حواشی بر کتاب شفا و حاشیه بر حاشیه قدیمه و غیره و شیخ جعفر قاضی صفهان که از افاضل

مشایخ



و شایخ عصر خود بود و معنی حواشی بر شرح لعمه

علامه محمد تقی مجلسی روایت دارد شیخ ابوطالب بن عبدالقادر  
زاهد بود از علامه آقا حسین مذکور است و دیگر از جمله تلامذه او علامه آقا حسین  
و غیر ایشان از علما و فضلا اند و صاحب مسائل هم از علامه موصوف اباره دارد شیخ علی  
تزین بعد از احوال فضل و کمال آقا جمال که خلف ارشد آقا حسین موصوف بود آورده که دیگر  
فاضل نالیشان آقا رضی الدین محمد سپهر آقا حسین بود مولانا محمد باقر بن محمد موسی  
اخر اسانی السبزواری نسبت بسبب سبزواری که آن تعبیر بقیق است و بقیق بروزی  
صیقل شهره است قریب نیشاپور که از مشهورترین بلاد خراسان است و از آنجا جماعت  
کثیر از علما و فضلا و علماء و فقها و ادبا بیرون آمده اند و اهالی آنجا در شیخ ضرب المثل اند

علامه باقر سبزواری

چنانکه این بیت غنوی مولوی روم بر آن دلالت دارد بیت

سبزواریست اینجهان بیدار ما چو بوبکریم دروسه خوار و زار

با جمله مولانا از مشایخ سبزواری است شیخ حرعالی او را از معاصرین خود کرده  
و به عالم فاضل و حکیم و تکلم و فقیه و محدث جلیل القدر ستوده و با جمله سبزواری معاصرین آقا حسین  
خونساری و شیخ علی صاحب در مشهور بوده صاحب سلافة العصر تقریباً اعیان زمان خود آورده  
که مولی محمد باقر خراسانی یکی از مجتهدین متبحرین در علم دین و دیگر فنون علوم و اصناف نطق  
و مفهوم است در سال یک هزار و شصت و سه هجری وارد مکه معظمه شد و یک سال در آنجا  
مجاورت فرمود و سن هجرت بملاقات او مشرف شده ام بعد از آن بسوی عجم مراجعت  
نمود اکنون در آن بلاد است و سبب از آنجا که علامه آباوی در تذکره خود آورده که مولانا  
محمد باقر خراسانی سبزواری از دارالمؤمنین سبزواری است عارف معارف یقین و کمال  
اسرار علوم دین و مقدر است فحول علماء و پیشوای زمره فضلا است گلزار عبادت از آب  
و ضوئیش با طراوت و گلستان معرفت انا هتزاز نفس مبارکش همروش لغفارت بقوت

بی تعلیق و قید و غلطی و راسته و بسبب زهد و تقوای ایشان مرغان بنوار تحت الحنک است  
 و در اوائل شباب جهت تحصیل علم باصفهان آمده و در علوم نظری از تلامذه میر ابو القاسم  
 فخر سکی و قاضی معز لوده و در علوم دین و ضبط احادیث باخوند ملا حیدر علی اصفهانی و ملا  
 حسن علی بن ملا عبداللہ شوشتری سباحته نمود و الحال که سنه یک هزار و شستاد و سه هجری با  
 فحول علما از مدرس مبارک ایشان فیض وافر می برزند و از علما اجازه نماز جمعه یافت  
 و در اصفهان مبارک است آن میانند گاهی رباعی حقانیت آیات بسک نظم میکشند نتی  
 و ملا حیدر علی مجلسی و امام و غیره آورده که علامه محمد باقر شیرازی صاحب ذخیره و کفایه  
 از حدیث علامه محمد تقی مجلسی روایت داشت و شاگردش فاضل کامل ملا محمد شراب  
 کیلانی از روایت دارد و دیگر از جمله تلامذه اوست حاجی محمد کیلانی و فاضل المعنی ملا  
 عبداللہ ارویل طاب ثراه از تصانیف شریفه اوست کتاب کفایه الفقہ در دو مجلد  
 یکی از کتاب الطہارۃ تا کتاب الوصیۃ دیگر از کتاب النکاح تا کتاب المیراث و کتاب  
 ذخیرۃ المعاوی فی شرح الارشاد که چندین مجلد از کتاب الطہارۃ تا کتاب الحج است و این  
 هر دو کتاب بسیار شتهار یافته اند و پیش نظر علمای اعصار میا شد و دیگر رسالہ فارسی  
 و رسالہ فقہ فارسی در احکام طہارۃ و صلوة و صوم و رسالہ در تحریم غنا و رسالہ در بیان غسل  
 و رسالہ در تحدید ہنر شرعاً و از تصانیف اوست کتاب کبیر در اوعیہ ماثرہ اسم او مفتاح  
 النجاة یا سفینۃ النجاة است کما قبل و در رسالہ در صلوة جمعہ کی عربی و دیگری فارسی و غیره  
 شیخ علی بن محمد بن حسن بن الشہید الثانی العاطلی از شاہیر اہل علم و کمال بر او  
 شیخ زین الدین بن شیخ محمد بن احسن بود کہ سابقاً احوالش گذشت از تصانیف شہیرہ  
 اوست کتاب در منشور و منظوم کہ مشتمل بر فوائد متفرقہ و حل احادیث مشککہ و دیگر مطالب مفید  
 است و دلالت بر صفای ذہن و دقت نظر و جودت طبع و کثرت بصر او در علوم دینیہ دارد و  
 از آنجملہ عاشقین شرح لمعہ کہ بسیار شہرت دارد در کتاب در منشور آورده کہ ولادت من در

هربیع الاول سنه یک هزار و سیزده یا چهارده هجری واقع شد و ایضا گفته که چون پدر من  
 شیخ محمد بسوی سفر عراق رفت عمر شش سال رسیده بود در آنوقت فتوری عظیم بر بلاد  
 ما رسید و قریب هزار کتاب از کتابها ما سوختند پس بسوی قریه کرک نوح علیه السلام  
 رفتیم و در آنجا مدت کوتاهی اقامت کردیم بعد از آن برادر من شیخ زین الدین بسوی عراق سفر  
 کرد و سن من در آن وقت قریب دوازده سال بود و من در اول حال بسوی کتب  
 می رفتم و بعد از سالگی ششم قرآن منوم بعد از آن بحدیست شاگردان جبر و پر خود شتند  
 علم منوم و ایشان شیخ فاضل نجیب الدین و برادر من شیخ زین الدین بسید اجل سید  
 نور الدین و شیخ حسین بن الطمیر و شیخ محمد حرفوشی رحمة الله علیهم جمعین بوده اند  
 و چون برادر من بسفر رفت من با وصفت مدفن من نمودم و شوقی امور خیالی در انتظام املاک  
 آبا می خود بودم و با این همه بقدر امکان اشتغال بکار منوم و کتابها می چند و ششم  
 بر حفظ کتابهای که از دست اهل فتنه باقی مانده بود حریص بودم چون والدین فوت  
 یافت من در سال یک هزار و سی و دو یا سی و سه هجری بسوی کرک حفره سفر کردم و در آنوقت  
 سن من قریب شانزده سال بود و غنایات ربانی و ولایات بر وانی شامل حال خود میدیدم  
 و در آن سفر امری چند برای من اتفاق افتاد که عالی شریف است و نیست شیخ علی مزبور  
 در اینجا چندی از امور غریبه نقل کرده و گفته که از جمله امور غریبه آنکه چون سمی بسیار و ششم  
 آنچه کتب من در وطن من باقی مانده است نزد من برسد شخصی را با برکت از برای آوردن  
 آنها فرستادم و در انتظار خبر بودم ناگهان شبی بخواب دیدم که شخصی با طبقی در رسید و سینه  
 پهلوهای آدمی در آن طبق داشت پرسیدم که این چیست گفت که این سینه جد تو شیخ  
 زین الدین شهید ثانیست چون صبح شد خبر من رسید که آن شخص با کتب می آید و  
 در آن اکثر کتابها از تصانیف جدم شهید ثانی بغیر جمله بود و بعضی از آن بحجت نقاد و تحویل  
 تلف شده بود ایضا شیخ علی مزبور بعد از آن بعضی امور غریبه و بعضی از مصائب و احوال خود

میفرماید که کتابهای که بان احتیاج دهم نهم نبود پس زیاده از هفتاد کتاب بخط خود  
 نوشتم و در بعضی اوقات که مرا اتفاق تصنیف افتاد حاشیه بر شرح لمعه نوشتم و آن دو مجلد است  
 و شروع تصنیف شرح ابواب اصول کافی کلینیه نمودم یک مجلد از آن بیاض رسید و اتفاق  
 بیخیز بقیه مسودات آن نشد و دیگر این کتاب یعنی در فتاویٰ منظوم را جمع کردم و دیگر کتابی  
 در رد بعضی متعذرات که از طریق علمای امامیه منخرت شده اند نوشته ام و آنرا بسهام المارقه  
 عن اغراض الزاویه موسوم کردم و دیگر رساله در رد ملاحضات امین استرآبادی و آن را در وقت  
 متفرقه است و همایشی بر کتاب معالم است که اتفاق ترتیب آن نشد و همچنین حواشی  
 بر کتاب من لا یحضره الفقیه است و دیگر کتابی نوشته ام که در آن رسائل کثیره و چندین  
 فنون و فوائد در شعار و اکثر احادیث و غیر آن جمع کرده ام که قریب به چهل هزار بیت است  
 و مجموعه بانی دیگر نیز جمع کرده ام و بن از استاد خود سید نورالدین علی بن علی بن ابی اسحاق  
 اصفهانی الموسوی و شیخ نجیب الدین علی بن محمد بن عیسیٰ جمها الله احازه روایت دارم و  
 ایشان از جده ان شیخ جمال الدین حسین بن شهید ثانی و هم از سید شمس الدین محمد بن  
 علی بن ابی اسحاق اصفهانی موسوی روایت داشتند و هر دو ایشان بواسطه سید علی بن  
 ابی الحسن کاتب حسین بن عبد الصمد و سید نورالدین علی بن سید فخر الدین باشمی از  
 شهید ثانی علیه الرحمه روایت دارند و نیز از تصانیف شیخ علی مزبور است رساله در رد  
 بر کسی که گفته و فتنه امباح میثمار و درین رساله در رساله سهام مارقه که قبل ازین ذکر شده  
 طعن و تعریف بر ملاحسن نموده و بسبب سیلان ملاحسن بسوی لغت و تعصب و طعن بسیار  
 بر او داشت و شیخ یوسف میفرماید که تاریخ وفات شیخ علی مزبور یاد ندارم لکن وی عمر  
 بسیار یافت و شیخ عبد الرزاق المازندرانی درشند آورده که شیخ مزبور عالم فاضل  
 و از اسیسینین، العابدین بن مسیر نورالدین مراد اصفهانی تلمیذ ملاحضات امین استرآبادی اجازه  
 روایت حدیث داشته در اجازه مذکور سطور است و بعد فان المولی الاجل الفاضل المشرقی

بحسن فهمه لصاحب الی اعلیٰ المرتب المتسعة لملقی تاج المواهب من الرحیم الواهب  
 شیخ عبدالرزاق المازندرانی بلنہ اللہ من الخیر الیہ و تم بالحسنی اعمالہ حب انیکون و خلا  
 فی سلسلہ روایۃ الحمدیشہ الملمتہ عن اہل بیت النبوة و مشکوٰۃ الرسالہ لیدخل ذلک فی  
 دعوی مولانا الامام ابی عبداللہ بن محمد انما ارق معلوات اللہ علیہ و علی ابائہ و نہایہ  
 افضل السلام رحمہ اللہ من احیاء امرنا و کفی بذلک مشویۃ کبریٰ و نقیۃ غصن نخلاب من الثقیف  
 اجازۃ لم روایۃ و مقرراتہ و سہو مائتہ و قد استخرجت السنن و اجزیت لہ اولم اللہ فوضیہ ان  
 یروی عنہ جمیع ما یجوز لہ روایۃ من معقول و منقول و فروع و اصول بطریقہ المقررة  
 اماکنہ انتی مولانا محمد باقر الیزدی صاحب تکریم الہ اہل اور و مولانا محمد باقر  
 یزدی صاحب بیوان الحساب از اعظم علماء ریاضی بود و قوانین جدیدہ و ہر این مختصر نہ  
 سدیرہ ایجا کردہ و در فضل و کمال و وقت نظر نہنت انتقال بے نظیر بود و بسیار از  
 افکار و افادہ اش مشہور گردیدہ و ہر صنفہ ایام یادگار ماندہ باجملہ عمدہ اختراعات انفسانہ  
 وارثہ و عمر بنو اسامی بر کتاب مطالع الاثار کہ از تصانیف اوست و علی سببہ و بیاب  
 الجور تقریبا نوشتہ نیست حاصل انجہ صاحب تکریم در وصیتہ او فرمودہ و گفته کہ مولانا  
 محمد باقر مذکور را در ہر فاضل بود و ذکر الیسان بر کتاب مذکور مستور است از اسرار  
 جلال الدین بن الایس المرغنی تاج الدین در شذور العقیان مستور است  
 کہ ایسیر جلال موصوف عالم فاضل و محقق مدقق بود و از بعضی مکاتذہ شیخ بہار الدین علی  
 علیہ الرحمہ اجازہ یافتہ و اجازہ مذکورہ بنا بر انجہ در شذور مذکور است نیست بود الحمد  
 و الصلوٰۃ و بعد تقدیر علی ہذا کتاب قرارہ فہم و تدقیق و اتقان و تحقیق المولی ایسیر  
 المرغنی الاجل العامل العالم اناسک المتورع بحسب النسب المدقق شاح الاحادیث  
 المصطفویہ و ناقد الاخبار النبویہ و الاخلاق السنیۃ الرضیۃ و الافعال الحمیدۃ المہتمم  
 جامع الفضائل و المناقب و مجمع الماثرو المناصب جمال الملئ و الحق والدین ابن کمال

مولا باقر یزدی صاحب  
 تکریم الہ اہل اور  
 صاحب بیوان الحساب

الاعظم والنجیبی الأکرم العالم الأتم الامجد الاقدم مہبط الانوار القدسیۃ مجمع صفات  
الملکیۃ والانسیۃ ذی المکرمات والمفاخر والسجایا العلیۃ والمائثر سلطان المفسرین و  
المذکرین تاج اعظم الملوک والسلاطین کہف الضعفا والمساکین راحة البریۃ حسین

هو البحر من ائی النواحي انبت فلیتہ المعروف والبحر ساجد

تعود ببسط الکف حتی لو ان اراد انقباضا لم تنطقه انا صلا

تاج الملئۃ والحق والہدین نقاۃ اولاد خاتم النبیین و ذریۃ الائمة المعصومین اوامیر  
تبع ظلالہ وابداح احوالہ واجزت لہ ایدہ اللہ تعالیٰ ان یردی عنی بالصح عندہ من سمواع

ومرویاتہ ومجازتہ وناولاتہ ومولفاتی الخ الاجازۃ لشیخ حاتم الدین بن

جمال الدین بن طرح النجفی از فضلاء معاصرین شیخ حر عاملیست عالم ماہر و

محقق وثقہ جلیل القدر و شاعر بود از تصانیف او کتابہا اندازہ بجمہ شرح فوائد صمدیہ

بشرح سبادی الاصول علامہ حلی رہ و تفسیر قرآن شریف و شرح فخریہ و رفقہ وغیر ذلک

سن الکتاب الشیخ حسن بن ابراہیم بن علی بن عبد العالی الملبسی فاضل و

عالم جلیل القدر و صالح بود از معاصرین شیخ حر عاملی است کذا فی الاصل لشیخ حسن

بن علی بن الحسن بن یونس بن یوسف بن محمد بن ظہیر الدین بن

علی بن زین الدین الحسام الظہیری العالی العینا فی از جملہ معاصرین

شیخ حر عاملی رہ آور اہل آمل آورده کہ شیخ حسن مزبور فاضل صالح و معاصر است

جندی در نجف اشرف اقامت داشته از آنجا با صغہان رفت وہا نجا وفات یافت

الشیخ حسن بن علی بن خاتون العالی العینا فی از فضلاء زمان و صلی

عصر خود بود از جملہ معاصرین شیخ عالی است کذا فی الاصل لشیخ حسن بن علی بن

محمود العالی فاضل فقیہ و معاصر شیخ حر عاملی بود در اہل آمل آورده الشیخ حسن

بن علی بن محمود العالی ابن خال والد المؤلف فاضل فقیہ صالح معاصر الشیخ

الفتویٰ العالمی البناطلی از جمله معاصرین شیخ حر عاملی است در اہل آمل آورده  
 کہ شیخ حسن مزبور فاضل صالح و معاصر بود شیخ حسن بن علی بن محمد البحر العالم  
 المشغری والد شیخ حر عاملی است چنانچہ در اہل آمل مسطور است کہ شیخ حسن بن علی  
 بن محمد حر عاملی مشغری والد مؤلف این کتاب است قدس اللہ روحہ عالم و فاضل  
 ماہر و صالح و ادیب و فقیہ ثقفہ و حافظ و عارف بفقہون عربیت و فقه و ادب بود  
 و در فقه مرجع خلایق بود خصوصاً در مواردی چند از کتب عربیہ و فقیہیہ و دیگر کتب  
 راجع بہ آنجناب قرأت نموده ام و فاشش در سنہ یکہزار و شصت و دو ہجری در راہ  
 خراسان اتفاق افتاد و مدفن شریفش در مشہد مقدس حضرت امام رضا علیہ السلام  
 التحتہ و الثنار واقع شد و مولد او سنہ الف ہجری بود خبر وفات آنجناب وقتی بین  
 کہ در حجہ ثانیہ در منی بودیم و در وفات آنجناب قصیدہ طویلہ در مرثیہ آنجناب گفتہ ام  
 السید حسن بن ابی محمد زمان الرضوی المشہدی از معاصرین شیخ حر عاملی است  
 چنانچہ در اہل آورده کہ سید جلیل میرزا حسن بن میر محمد زمان رضوی مشہدی فاضل  
 عالم و محقق جلیل القدر و معاصرین است از تصانیف او کتابی است در استدلال  
 نامتنام الشیخ حسن محمد بن علی بن محمد البحر العالمی المشغری الجعفی  
 شیخ حر عاملی در اہل آورده کہ شیخ حسن مذکور ابن عم مؤلف این کتاب است فاضل  
 صالح و فقیہ و عارف بعربیت بود قرأت علوم پیش پدر خود و دیگران نموده محمد  
 بن مرتضی المعروف بکلا حسن الکاشانی از شاہیر مجتہدین و اکابر فہمین  
 و محدثین و از محمد بن ثلثہ تاخرین معدود بوده علی قلیخان در تذکرہ خود بعد از و ثناء  
 او گفتہ کہ ملا حسن تلمیذ فاضل مشہور ملا صدرا می شیراز است و بمصاہرت و بیخ تصاہر  
 داشته و تخلص ہم از ملا صدرا یافته چون صیت فضلش شرق و غرب را فرود آورد  
 شاہ عباس ثانی صفوی مغفور بالتاس تمام اورا طلبیدہ در بر و جہت باہر

شیخ حسن بن علی

شیخ حسن بن علی

کمال اوست و احترام با او سلوک می نمود و ملا حسن تا زمان شاه سلیمان صفوی مغفور  
 در قیامات استقامت و پایداری او را در کوشش و در کاشان تا حال معزز و مکرم بل مرجع اندر دیوان  
 در دربار بیت تجاوز است و در تذکره نتائج الافکار مسطور است جمیع کمالات استقامت  
 تامل فیض کاشانی که همیشه زیاده مولانا ضیاء الدین کاشانیست نسبت شاگردی  
 بند است و برای شیرازی داشته و از علوم معقول و منقول بهره دانی برداشته و پیش  
 شاه عباس ثانی عز از احترام تمام داشت و آخر ماه جمادی عشره سی و نهم در گذار  
 است و باقیه است و در او آن تحصیل از بلده کاشان بسوی شیراز آمد و بخندست  
 سید ابوالحسن فیض کاشانی تحصیل علوم فقه و حدیث فرموده چنانچه سید نعمت الله جزائری گفته است  
 رشید بلا حسن مذکور بود و حکایت تفاضل او بدیوان منسوب بحضرت امیر المومنین علیه السلام  
 که در آن سید ابوالحسن مذکور شد لفظ فرموده و در آن حکایت گفته که استاد من  
 محقق بلا حسن من کاشانی مصنف کتاب دانی و غیر آن که قریب به دو صد کتاب رساله  
 دارد و او کل کتاب دانی گفته است که من گاهی روایت کنم کتب اربعه حدیث را از  
 استاد خود سید ماجد بن هاشم صادق بخرانی که در علوم شریعیه استاد من بسوی اوست  
 و اعتماد من بر اوست و از شیخ بهار الدین عاملی روایت دارد و گاهی روایت میکنم  
 از شیخ بهار الدین بلا و استاد خود و گاهی روایت میکنم کتب اربعه مذکوره و دیگر  
 کتاب حدیث و غیر آنها را از شیخ محمد بن شیخ حسن بن شهید ثانی علیه الرحمه و او از پدر خود  
 شیخ حسن مذکور روایت دارد و شیخ یوسف بخرانی گفته که ملا حسن علم حکمت و اصول را از  
 ما صدر الدین محمد بن ابراهیم شیرازی که مشهور بلا صدر را بود حاصل نموده و دختر بلا صدر را  
 در نکاح او بود و همه تعانیست او در اصول بسبب شاگردی و تقرب او بکلی ای موصوفت کل  
 بر قواعد صوفیه و فلاسفه است و چون در آن زمان مذہب صوفیه در بلاد عجم شہدار  
 بسیار داشت و اکثر اهل عجم مائل بتصوف بودند بلکه غلو در آن داشتند ملا حسن بن  
 خود



میان ایشان صاحب مرتبه علیا گردید و نزد مردم بر اقران خود تفوق یافت تا آنکه بعد از  
 مولانا محمد باقر مجلسی علیه الرحمه در رسیدن و تنهائیت سعی در اطفای نایره تصوف و انسداد  
 شقوق این بدعت کوشید و انتهی کلامه مؤلف گوید که اگر چه از تصانیف ملا محسن مذکور  
 دلالت بر تصوف او ظاهر میشود اما بر ابرار او از رساله انصاف که در آخر عمر خود تصنیف  
 فرموده بخوبی ظاهر و واضح است چنانچه فاضل جلیل القدر و بدترشیح اعتماد العالم  
 الا واحد و الفقیه المعتمد السید ابوالحسن محمد خلیف مرحمت و غفران پناه آقا سید  
 علی شاه ابقاه الله بر نظر بعض کتب مصنفه ملا محسن افاده فرموده ما هذا الذی یسمی  
 بن مرتضی المدعو بحسن الکاظمی صاحب الوافی و الصافی و المعتصم بالمفاتیح غیر  
 مما یقرب ما فی کتاب علی ما ذکره الموسی السید نعمته الله الخیر الی تلمیذ طاب ثراه و ذکر  
 ان اکثر کتب المحدث الکاظمی علی مذہب الفرقة الشنیعة القوفیة نذله الله علیه  
 ان قال و لکن له رساله سماها بالانصاف و اظهر فیها عذره عما ظهر فی کتبه  
 الفاسدة و الاقوال الکاسدة بان ذلک لیس عن اعتقاد و تصدیق بل عن کلام  
 و نقل انتهی کلامه و ایضا مؤید اینست که ملا شفیعا در اجازت خود  
 بهیته در احوال ملا محسن مذکور می فرماید که من از استاد خود عالم کامل ملا محمد باقر  
 ام در جناب از والد ماجد خود ملا مهدی عزاتے نقل فرمودم که جناب ملا محسن مذکور  
 و دیگر با جناب بیگوید که آنچه مردمان در حق من میگویند در نسبت می دهند از عقاوت  
 فاسده است و من ازان بریستم و اعتقاد من همان است که در رساله که در آخر عمر خود  
 نموده ام در رسم آن رساله را بلا مهدی مذکور گفته بود پس بعد بیدار شدن جناب موصوف  
 در آن رساله نظر فرمود و یافت مطابق آنچه که جناب ویره بود و اعتقاد ملا محسن مذکور  
 مطابق و موافق بعقاد حقه یافته ملا شفیعا گوید که نیست کلام استاد ما در مقام  
 تصبیح اعتقاد ملا محسن مذکور عفو فرماید حق تعالی از زلات او و از لغزشهای تمامی علما